فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره هشتم (پاییز ۱۴۰۰)

علل پیشرفت و تعالی در جامعه از دیدگاه اسلام و قرآن

(تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۸/۲۰)

ناهید فرامرزی[۱]

مژگان قنبری

چکیده

هر جامعه‌ای برای رشد و تعالی نیازمند اقداماتی است که همواره از سوی دولت‌مردان در مراحل مختلف به این امر پرداخته می‌شود اما اسلام که برای تمام زمان‌ها و تمام مراحل زندکی برنامه دارد، در این باره نیز برای مردم و دولت‌مردان نکاتی را ارائه داده است. حضرت علی (ع) در حدود ۱۴۰۰ سال پیش در نهج‌البلاغه بر این امر تاکید داشته‌اند که هر جامعه‌ای برای رشد و تعالی نیازمند رعایت قوانینی است که با رعایت کردن و نکردن آنها عوامل پیشرفت و سقوط هر جامعه‌ای میسر می‌شود. مفهوم پیشرفت وانحطاط روشن است و نیاز به بیان ندارد، آن چه که مهم است آن است که تفسیری صحیح از پیشرفت وانحطاط ارائه گردد، علل وعوامل پیشرفت وانحطاط تبیین شود و روشن شود که اگر جامعه ای پیشرفت کرد چگونه می توان آن پیشرفت را حفظ کرد و از سقوط و انحطاط آن جلوگیری کرد و آن را از سقوط نجات داد. البته لازم به ذکر است عصر ما عصر ابزارهای نوین، عصر ظهور روش ها و متدهای شگفتی آور تحقیق و بررسی است، با به صحنه آمدن ابزار و ادوات پیشرفته و کامپیوترهای متفکر، تغییرات اساسی و غیرقابل تصوری در بسیاری از علوم و فنون پیشرفته بشری و کیفیت مطالعه و ارزیابی و یافتن مفاهیم ارزشمند نهفته در تالیفات بشری، پدید آمد که سبک ها و متدهای تحقیق را دچار تحولات چشمگیر کرد، از این رو نیازمندی های جدید و تازه ای برای نسل تشنه حقیقت عصرمان مطرح است.

واژگان کلیدی: پیشرفت جوامع، تعالی در جامعه، اسلام، قرآن، عقاید مذهبی و دینی

---

[۱] نویسنده مسئول

بخش اول: نقش مذهب درپیشرفت

الگوگیری از فیلم های اروپایی در مورد القا کردن خودباوری و نشان دادن تاثیر والای مذهب در پیشرفت و تعالی یک کشور اولین و مهمترین موضوع تحکیم خانواده است چرا که خانواده مبنای شکل گیری هرگونه اخلاق و ارزش فردی و اجتماعی است. پس اگر فردی در خانواده به گونگه ای تربیت شود که وطن و پیشرفت آن برای وی یکی از مهمترین ارزش ها تلقی شود به طور حتم هنگام ورود به جامعه فردی خواهد شد که والاترین هدفش خدمت به جامعه است اما مشکل عمده و بزرک ایران امروز خانواده هاست.هر چند خانواده ها بر اساس ارزش های دینی سعی در تربیت فرزندان شایسته ای دارند اما نباید این موضوع را نادیده گرفت که خانواده ای که از طرف دولت در رفاه اقتصادی کامل قرار میگیرد حامی دولت و کشور و وطن خواهد بود و این نه تنها به تداوم حکومت و دولت می انجامد بلکه کشور رو به پیشرفت و ترقی گام بر میدارد. پس دولت باید در اولین گام محاصره های اقتصادی و تورم را از بین ببرد به گونه ای که تمام خانواده های ایرانی ماهیانه از دولت به تعداد افراد خانوار مایحتاج زندگی را در حدی متناسب دریافت کند.به عبارتی می توان برنامه را با اختصاص دادن سرانه ای به عنوان سرانه ی خانوارها در جامعه و دولت اجرا کرد و از راه تامین خانواده ها از نظر بزرگترین مشکل یعنی مشکل اقتصادی از آنها خواست تا حامی دولت و کشور باشند و در پیشرفت علمی کشور بکوشند. از پیامدهای تامین مالی خانواده ها از طرف دولت به صورت ماهیانه و جدا از مستمری میتوان به چندین مورد اشاره کرد:

۱- با تامین نیاز اقتصادی،رشوه خواری، کم کاری، عدم ارائه خدمات مناسب و تمامی اختلالات اداری در کشور کاهش یافته و مردم با میل و رغبت برای پیشرفت کشور تلاش می کنند.

۲- غرب گرایی و توجه به جهان غرب کاهش می یابد و تمرکز مردم برای پیشرفت و تکیه بر استعداد های خودی خواهد بود.

۳- فرار مغزها که شایع ترین و مهمترین عامل عقب ماندن و کند پیشروی کردن ایران امروز است از بین رفته و جوانان شایسته ایرانی برای خدمت به کشور می کوشند.

با توجه به پیامد های این عمل در صورت اجرای چنین طرحی در مدت زمان کوتاهی پیشرفت بی سابقه ای را شاهد خواهیم بود.

بخش دوم: عوامل رشد و بالندگی از نگاه نهج البلاغه و قرآن

عوامل رشد و بالندگی انسان عناصر و عواملی را که برای رشد و تعالی انسان مطرح است از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار می گیرد. از جمله موارد رشد و بالندگی عبارتند از: علم و تفکر علم و دانش، تفکر و تعقل یکی از عوامل سازنده انسان به شمار می رود، قرآن کریم برای علم و آگاهی ارزش بسیاری قایل است در ارزش علم و دانش همین بس که نخستین آیاتی که بر پیامبر(ص) نازل شده است سخن از علم به میان آمده است اگر کسی علم و آگاهی نداشته باشد نمی تواند تکلیف الهی را بشناسد تا به اطاعت صحیح از آنها تن دردهد. کسی که از دانش تهی باشد از کجا می تواند به هدف حیات خویش دست یابد تا در آن مسیر گام بردارد خود قرآن علت سقوط بسیاری از تبهکاران را عدم تعقل می داند. «و قالوا لَو کُنّا نسمع او نَعْقِل ما کُنّا فی اصحابِ السَّعیر» «و گفتند: اگر ما به سخنان آنان گوش می دادیم یا تعقل می کردیم هرگز از یاران دوزخ نبودیم»آیه فوق از زبان دوزخیان نقل می کند که ایشان در پاسخ به فرشتگان می‌گویند اگر ما در دنیا دعوت رسولان را گوش داده بودیم و به آنها عمل می کردیم و یا پیامها و فرامین‌ها و حق بودن خود رسولان را درست تعقل کرده بودیم هرگز از زمره گمراهان و دوزخیان نبودیم. پلیدی و زشتی را خداوند مربوط به عدم تعقل و اندیشه می داند، و افرادی که نمی اندیشند قرآن پلید می داند. «و یَجعل الرِّجْسَ علی الذَّین لایعقلون»

«و پلیدی را برای کسانی که تعقل نمی کنند قرار می دهد» انگیزه قرآن از دعوت انسان به مطالعه و تفکر و آگاهی سطحی نیست که منشأ اثری نباشد بلکه دعوتش اینست که انسان

هدفداری خلقت را دریابد که جهان بیهوده خلق نشده است، دریابد که جهان دارای خالقی است او ناظر به تمام اعمال و رفتار انسان است.

ایمان و خداباوری: منظور از ایمان و خداباوری عبارت از اعتقاد قلبی به خدا و فرامین او همراه با تسلیم در برابرش، ایمان غیر از علم است چرا که قرآن از کافرانی سخن می گوید که با وجود علم و آگاهی به سوی کفر گرایش داشتند از جمله باید از شیطان نام برد که خدا را می شناخت به معاد هم اعتقاد داشت و می دانست که انبیاء از سوی خدا مبعوث شده‌اند ولی با این وجود قرآن او را کافر می داند. «اَبی و اسْتَکْبَر و کانَ من الکافرین» (ابا کرد و کبر ورزید و از کافران بود.)

یا فرعون و اطرافیان وی علم به وجود و علم به رسالت موسی داشتند ولی در برابر آن حضرت موضع‌گیری خصمانه می کردند حضرت موسی در خطاب به فرعون می گوید: تو می دانستی آنچه به من نازل شده از سوی خدای آسمانها و زمین است.

«لقد عَلِمَتُ ما انزل هولاءِ اِلّا ربُّ السموات و الارض» به تحقیق شما می دانستید (آنچه ارائه شد) از جانب خداوند آسمان و زمین نازل شده است. «من کان یرید العِزَّه فِللهِ العِزَّهَ جمعیاًالیه یَصْعَد الکَلِم و العمل الصالح یَرفَعُه» کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد) چرا که تمام عزت برای خداست، سخنان پاکیزه به سوی او صعود می کند و عمل صالح را بالا می برد.

بخش سوم: موانع رشد و بالندگی از نظر قرآن

آیا در قرآن نیز به این مسئله اشاره ای شده است یا خیر. البته باید قبل از آن به این نکته اشاره داشت که انسانی رشد دنیوی کاملی خواهد داشت که رشد معنوی کاملتری دارد.

آیات قرآن در رابطه با انسان رشد نیافته

مهم ترین مانع انسان برای رشد وبالندگی اعراض از یاد خداست که مانعی برای رسیدن انسان به مقام قرب ومنزلت های والای معنوی وکمالات خداوندی است(اعراف ۱۷۶ و۱۷۵)

پیروی از شیطان واطاعت وهمراهی با وی ویا پیروی از هوای نفس

تجاوز گری (مطففین آیه ۱۵ و ۱۲)

دنیا طلبی (اعراف ۱۷۶)

شرک (زمر آیه ۳)

گناه (مطففین آیه ۱۵)

اما به عنوان جمع بندی مطالب تمامی موضوعات بررسی شده را در چند سطر خلاصه می کنیم.

۱-اولین موضوع برای پیشرفت هر کشوری خودباوری است و خودباوری یکی از پیامدهای مثبت دین داری و خداباوری است.

۲-در درجه ی دوم ایجاد امکانات و دادن خدمات مورد نیاز جوانان برای تحقیق،پژوهش و علم آموزی و در نتیجه جلوگیری از فرار مغزها است

۳-تامین مالی تمامی خانواده ها و به خصوص تامین همه جانبه ی جوانان مخترع و پژوهشگر

۴-دادن امتیازات خاص به افرادی که در مسائل سیاسی و اقتصادی و مذهبی حائز رتبه های برتر مسابقات تلویزیونی شده اند.

۵-آگاهی بخشیدن به جوانان و نوجوانان از اسلام واقعی و حقیقی

۶- آگاهی بخشیدن به جوانان در مورد تاریخ ایران طی مسابقات تاریخی

۷-ساخت سری فیلم های تلویزیونی مبنی بر ساده زیستن و نشان دادن نقش خداباوری در سالم زیستن و پیشرفت انسان و تکامل وی در همه ی جهت

۸- مبارزه با ساخت فیلم های تجملگرای فعلی و دور از دین و مذهب و سنت ایرانی و متمایل به فرهنگ غرب

بخش چهارم: نقش اهل قلم در پیشرفت وتعالی جامعه

اهالی قلم به عنوان نوعی از راهبران فکر می‌بایست مروج اندیشه‌های نو در جامعه باشند. اندیشه‌هایی که باعث بالندگی و ایجاد حرکت به سوی تعالی، رشد و در مسیر پیشرفت و ترقی جامعه باشد، نه این‌که سکون و کم‌تحرکی جامعه را در پی داشته باشد. اصحاب قلم می‌بایست شرافت قلم خود را به هیچ چیز جز آن‌چه مورد رضای حق تعالی است قرار ندهند. یکی از رسالت‌های اهالی قلم بیان واقعیات به منظور رفع نواقص و کمبودها و نیز ایجاد انگیزه برای بروز و شکوفا شدن استعدادهای بالقوه‌ی افراد جامعه می‌باشد. رسالت دیگر این فرهیختگان هموار کردن راه ورود فعالان دلسوز و متعهد در کلیه‌ی عرصه‌های خدمت‌گزاری و فعالیت در کشور به منظور پیشرفت سریع جامعه می‌باشد. هم‌چنین می‌بایست اضافه نمود از مهم‌ترین وظایف و مسؤولیت‌های این قشر ارزش‌مند جامعه، آماده‌سازی بستر لازم جهت انتخاب آگاهانه‌ی مردم و افکار عمومی برای مواجهه نمودن مردم با مسائل و شکلات و اتخاذ تصمیمات در مواقع مقتضی می‌باشد. حال که در خصوص وظایف و رسالت‌های این قشر مطالبی بیان گردید، یکی از مشکلات که به نظر می‌رسد ریشه در تاریخ این مرز و بوم دارد محدود شدن اهالی قلم در دوران خفقان ستم‌شاهی می‌باشد که در آن هیچ زمینه‌ی فکری به جز مداحان و ثناگویان تاج و تخت، حق بروز و ظهور استعدادها و تفکرات خود را در جامعه نداشتند، به نحوی که اگر ایران، امروزه به عنوان کشوری پیشرفته و توسعه‌یافته شناخته نمی‌شود شاید به جرأت بتوان گفت بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به اهالی قلم و فرهیختگان در زمان خفقان شاهنشاهی یکی از دلایل عمده‌ی آن می‌باشد. امروزه که به برکت نظام مقدس اسلامی زمینه‌ی رشد و توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی جامعه مهیاست رسالت و وظیفه متولیان و مسؤولین جامعه در توجه جدی‌تر به اهالی قلم و فرهیختگان امری کاملاً ضروری و واجب است که این توجه می‌بایست با دو رویکرد (حل مشکلات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ایشان همراه باشد.

مشکلات نرم‌افزاری اصحاب قلم برمی‌گردد به ویژگی‌های شخص نویسنده، این‌که چه مقدار از فضای علمی و وجاهت در میان جامعه برخوردار است و به طور کلی به کاراکتر اهل قلم برمی‌گردد و مشکلات سخت‌افزاری این قشر بیشتر در زمینه‌ی نشر اندیشه است و معضلات فنی و هزینه‌های مادی که دامن‌گیر اهل قلم می‌باشد.)

توجه جدی مقام معظم رهبری به فرهیختگان در عرصه‌های مختلف علم و ادب در کشور و دیدارهای حضوری ایشان با نام‌آوران و صاحب‌نظران علم و ادب و اهل قلم نشان‌دهنده‌ی اهمیت و نقش روشنفکران جامعه در نزد معظم‌له می‌باشد. در دیدارهایی که رهبر انقلاب با فرهیختگان جامعه دارند در حضور ایشان مسائل و مشکلات و تنگناهای موجود در جامعه مطر می‌شود. حال که مقام معظم رهبری به اعتلا و رشد فرهنگی و رفع موانع موجود بر سر راه فرهیختگان جامعه علاقه‌مندند و در جهت نیل به آن اهتمام جدی دارند سایر مسؤولین و متولیان نیز می‌بایست با سعه‌ی صدر، مشکلات اهالی قلم و خردمندان را در ابعاد مختلف دقیقاً بررسی و در جهت رفع آن اقدام نمایند و اگر اصحاب قلم در جهت دلسوزی و حس میهن‌دوستی به بیان واقعیات و مشکلات جامعه می‌پردازند تاب تحمل انتقادهای آن را داشته و در جهت رفع موانع فرا روی ایشان گام بردارند. به امید آن روز که ایران سربلند ما همواره در مسیر پیشرفت، توسعه و تعالی باشد.

بخش پنجم: جامعیت مفهوم توسعه

تعریف و مفهوم توسعه از جنگ جهانی دوم تا امروز کاملا تغییر کرده است. برداشت ها و مفاهیم اولیه از فرهنگ، مبتنی بر کمیات اقتصادی بود و شاخص های اقتصادی، مانند میزان تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، مصرف انرژی، مصرف فولاد و... معرف سطح توسعه یافتگی یا عقب ماندگی بود. اما از دهه هفتاد میلادی به بعد، شاخص های اجتماعی نیز به شاخص های توسعه افزوده گردید. رشد جمعیت، رشد شهرنشینی، دموکراسی، عدالت اجتماعی یا توزیع عادلانه ثروت، دسترسی به وسائل ارتباط جمعی، ثبات سیاسی و بودجه آموزش و تحقیقات، عواملی بودند که به تدریج به عنوان شاخص های توسعه پذیرفته شدند.

بروز حوادث مختلف، در دهه هشتاد میلادی، نظرها را بیش از گذشته متوجه عوامل فرهنگی ساخت و نقایص نظریه های اقتصادی توسعه را آشکارتر نمود. بروز بحران های اجتماعی، انفجار جمعیت، تضادهای قومی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نضج فعالیت های مذهبی و گرایش های دینی در غرب و فروپاشی شوروی سابق، عواملی بودند که متفکران مسائل توسعه را بیشتر متوجه اهمیت و نقش فرهنگ، در فرآیند توسعه و تغییرات اجتماعی ساخت. حضرت امام خمینی(ره) به عنوان رهبری دینی، عارفی فیلسوف، فقیهی اهل سیاست و عمل، در رهنمودهایی که درباره مسائل اقتصادی و برنامه ریزی های توسعه ارائه کرده است، جامعیت مفهوم توسعه را درنظر داشته اند. ایشان بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پدیدآمدن اوضاع و احوال جدید و ضرورت عزم جدی برای بازسازی و شروع فعالیت های اقتصادی، طی پیامی در یازدهم مهرماه ۱۳۶۷ محورهای عمده و حیاتی، در دهه بازسازی کشور را اعلام فرمودند. بر همین اساس، دهه دوم انقلاب، دهه بازسازی و سازندگی نام گرفت. در این پیام، محورهای زیر به عنوان کلی ترین پایه های برنامه ریزی آینده کشور، مورد تأکید قرار گرفته است:

- کلیدی بودن سیاست نه شرقی، نه غربی به عنوان رمز عزت و اعتبار کشور

- تأکید بر حفظ ارزش ها و شئون اخلاقی در جامعه

- تأکید بر این که بازسازی منجر به وابستگی نشود

- اصالت و اولویت داشتن خودکفایی کشاورزی، در مقابل بازسازی مراکز صنعتی

- توجه به رفاه مردم با رعایت شعایر و ارزش های اسلامی و انقلابی

- بهادادن به حضور اقشار مختلف مردم در صحنه های بازسازی کشاورزی، صنعت و تجارت

- تأکید بر پیچیده بودن شرایط سیاسی و اقتصادی نظام و لزوم رعایت این شرایط در برنامه ریزی و موضع گیری.

- توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی و تشویق نیروهای خلاق و سازنده

- همکاری همه جانبه کارشناسان و صاحب نظران با مسئولین اجرایی در بازسازی کشور

- قدرشناسی از ایثارگران

- توجه ویژه به تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور

این منشور بازسازی نشان می دهد که ایشان در شکل فعالیتها و برنامه ریزیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حفظ تأمین رفاه و امکانات زندگی، برای آحاد مردم را به عنوان یک ضرورت، توأمان عنوان داشته اند. این بینش از سوی فردی که سیاستگذار و تعیین کننده اهداف عملی، در برنامه ریزی های کشور است مفهوم جدیدی از توسعه را ارائه می کند. یکی از آراء جامعه شناسی مارکسیستی، تفکیک و طبقه بندی حیات اجتماعی و فردی انسان به زیربنا و روبنا می باشد. در این طبقه بندی، زیربنای اجتماعی، عبارت از شیوه های تولید، روابط تولیدی، ابزار تولید، مالکیت و نیروهای تولیدی و در واقع، اقتصاد است، و روساخت یا روبنا عبارت از فلسفه، حقوق، مذهب، هنرها، و بطور کلی تر، فرهنگ می باشد. در این طبقه بندی چنین فرض شده است که فرهنگ یک جامعه، محصول زندگی اقتصادی است. دین، فلسفه و هنر تابعی از صنعت، کشاورزی، تجارت و محصول ساده ای ناشی از فرایند تولید کالا و خدمات در جامعه است. این نظریه راهنمای بسیاری از تئوریهای توسعه بوده و بسیاری از تغییرات اجتماعی با توجه به این پیش فرض تبیین شده است. حضرت امام خمینی(قدس ره) با استناد به تعالیم عالیه اسلام، فرهنگ را اساس جامعه می داند و ضمن پذیرش نیازهای مادی و اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان، نقش فرهنگ را تعیین کننده و امور دیگر را تابعی از آن می داند: «بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می کند، و بالاخره در آن مستهلک می شود و

موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می دهد.» ایشان در جایی دیگر فرهنگ را مایه سعادت و شقاوت جامعه می دانند و می فرمایند: «فرهنگ مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های ملت است، اگر فرهنگ ناصالح شد این جوان هایی که تربیت می شوند به این تربیت های ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می کند...»

«درباره فرهنگ هر چه گفته شود کم است و می دانید و می دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود... دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی برهمه غلبه می کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف می کشاند

حضرت امام خمینی(قدس سره) که ریشه تمامی معضلات جامعه را در بیماریهای فرهنگی می دانستند، کراراً گوشزد می کردند که آفات فرهنگی سموم کشنده ای هستند که سیاست و اقتصاد جامعه را مسموم می کنند. چنین بینشی، ایشان را بیش از هر چیز، به آسیب شناس فرهنگی در جامعه اسلامی سوق می داد، به همین دلیل در تمامی سخنرانیها و آثارشان نوعی جهت گیری آگاهانه در راستای تبیین و توضیح مسائل فرهنگی، مشهود است. ایشان غربزدگی، استعمارفرهنگی، جهل فرهنگی و بسیاری از آفات فرهنگی دیگر را از موانع اصلی دستیابی به الگوی جامع توسعه می دانند:

«فرهنگ مسموم استعمار، تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده و فرهنگ قرآن را عقب زده و نوباوگان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مستعمرین در می آورد و هر روز با نغمه تازه، با اسامی فریبنده، جوانان ما را منحرف می کند.»

«عمده این است که فرهنگ یک فرهنگ بشود. یک فرهنگی از آن غربزدگی بیرون بیاید.»

توطئه ها و تهاجمات فرهنگی از دیگر موضوعاتی است که حضرت امام خمینی(قدس سره) از آن به عنوان مانع توسعه و اساس عقب ماندگی جامعه یادمی کنند:

«تردیدی نیست که جهانخواران، برای به دست آوردن مقاصد شوم خود و تحت ستم کشیدن مستضعفان جهان راهی بهتر از هجوم به فرهنگ و ادب کشورهای ضعیف ندارند.»

«و یک باب هم این فسادهایی است که پیش آورده اند، این هم یک مسئله ای نیست که خیال شود از باب اتفاق حاصل شده، تمام این مراکزی که برای فحشاء و خوشگذرانی درست کرده اند همین طوری درست نشده است، در مجلاتشان در رسانه های گروهی، چه سمعی و چه بصری، تبلیغات کردند و کلاً در خدمت اینها بودند. رادیو و تلویزیونشان مشغول بود که این جوان ها را از بازار، از بیابان که مشغول خدمت بودند، از ادارات، به آن مراکز فساد بکشانند، از دانشگاهی یک موجود فساد بسازند از دانشگاهی یک موجود فاسد درست کنند. جهل فرهنگی و ناآگاهی از مواریث و سرمایه های فرهنگی، یکی دیگر از موانع توسعه و توسعه فرهنگی در جامعه اسلامی است که حضرت امام خمینی(قدس سره) فراوان به آن اشاره نموده اند و از اندیشمندان ملل مختلف خواسته اند که مردم را نسبت به حفظ اصالتهای خود آگاه سازند:

«آن چیزی که وظیفه همه ما مسلمین است، وظیفه علمای اسلام است، وظیفه دانشمندان مسلمین است، وظیفه نویسندگان و گویندگان در بین طبقات مسلمین است، این است که هشدار بدهند به این ممالک اسلامی که ما خودمان فرهنگ داریم، ما خودمان فرهنگ غنی داریم، فرهنگ ما طوری بوده است که فرهنگ ما صادر شده است به خارج که آنها گرفتند از ما»

بخش ششم: رشد اقتصادی و موانع آن

خوش بینی که نسبت به تعهدات دولتها در ایجاد اصلاحات وجود داشته، کمتر شد و اثرات مورد انتظار بر رشد اقتصادی به طور کامل مشخص نبود. یک دلیل آن شاید این بود که اصلاحات به اندازه کافی صورت نگرفت و به اندازه کافی، در رابطه با استحکام ساختاری، اصلاحات به طور ثابت و بلند مدت انجام نشد. تحقیقات نشان می دهد که سیاست نیز، نقش تکمیلی در این راستا، بر عهده دارد. رشد اقتصادی نیازمند این است که یک موفقیت متوسط نیز در بخشهای مختلف سیاسی، وجود داشته باشد، چون عملکرد ضعیف یک بخش می تواند از پیشرفت وسیع حوزه های دیگر، جلوگیری کند. در دهه ۱۹۷۰ منبع درآمد و

کسب سود منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی، که حدود پانصد میلیون نفر جمعیت داشت، از محل ثروت حاصل از افزایش قیمت نفت بود. افزایش ناگهانی سرمایه گذاری و رشد، در کشورهای صادر کننده نفت که در بخشهای دیگر منطقه نیز منعکس شده بود، همراه با افزایش وجوه نقد در دست مردم و رونق تجارت و جریانهای سرمایه ای، منجر به بهبود قابل توجهی در سطح استانداردهای زندگی مردم شد. به علاوه در این کشورها، به خصوص کشورهای نفت خیز، انباشت و اضافه شدن دارائیهای مالی وجود داشت اما این دوره رونق در دهه ۱۹۸۰ رو به رکود نهاد و نرخ رشد اقتصادی کاهش یافت. در این زمان قیمت نفت روند نزولی پیدا کرد و دولتها با بدهی و کسری بودجه مواجه شدند. با وجود تلاشهایی که درجهت پی گیری اصلاحات ساختاری اولیه انجام شد، بسیاری از کشورهای منطقه در مسیر رشد و پیشرفت عقب افتاده و از مزیتهای ادغام اقتصادی و جهانی شدن، در دنیا کنار کشیده شدند. اگر چه منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی، هنوز بازارهای نفت را در سلطه خود دارند، اما مزیت و سود حاصل از نفت که در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، باعث بهبود سطح زندگی مردم شد، نتوانست یک پویایی معین در نرخ رشد اقتصادی بوجود آورد. در سال ۲۰۰۱ درآمد سرانه برای کشورهایی همچون قطر چیزی در حدود ۲۷۹۰۰ دلار و برای جیبوتی در حدود ۳۵۰ دلار تعیین شده است. تفاوت اینچنینی نشانگر وجود مشکلاتی است. این مقاله به بررسی مشکلات کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی که باعث عقب ماندگی آنها در مسیر رشد شده اند، می پردازد و بعضی از راه حل های ممکن را بیان می کند. حتی اگر چه بین ثروتمندترین و فقیرترین کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی، یک شکاف گسترده وجود داشته باشد، اما بیشتر این کشورها از میراث فرهنگی و پایه ای مشترکی برخوردار بوده، چالشهای اقتصادی و اجتماعی یکسانی را نیز دارا هستند؛چالش هایی از قبیل نرخ بالای رشد جمعیت و نیروی کار، رشد پایین اقتصادی و ارتباطات ضعیف با اقتصاد جهانی. به راستی که رشد درآمد ناخالص ملی کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی، در دو دهه گذشته، در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه جهان دچار تزلزل شده است. اگر چه کشورهای بدون نفت این مناطق به طور متوسط بهتر از کشورهای نفت خیز عمل کرده اند، اما به هر حال نرخ رشد آنها هنوز پایین

تر از متوسط رشد کشورهای در حال توسعه دیگر است. بخشهای غیر نفتی اقتصادهای کشورهای دارای نفت، به طور ثابت هر ساله از ۲/۵ درصد به ۴ درصد رشد پیدا می کنند. اما نرخ رشد این کشورها پایین است و این به علت روند آهسته تولیدات نفت و سرعت رشد جمعیت است. حتی با حساب دوره رونق دهه ۱۹۷۰، رشد واقعی تولید ناخالص ملی برای کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی، به طور متوسط ۳/۵ درصد برای سه دهه گذشته بوده است که از متوسط همه کشورهای در حال توسعه پایین تر است. رشد سریع نیروی کار بیشتر از رشد استخدام و اشتغال بوده است. بنابراین، اگر چه پیشرفتهای دیگر در این مناطق به وجود آمده است، اما چالش های مهم هنوز باقی مانده است. به هر حال کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی به شکل ضعیفی با اقتصاد جهانی پیوند خورده اند. این مناطق تنها به یک سوم سرمایه گذاری مستقیم خارجی، نسبت به دیگر کشورهای در حال توسعه دست یافته اند. این در حالی است که سرمایه گذاری در پرتفوی، در کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی وجود ندارد، چون که بازار سهام و سرمایه پیشرفته ای ندارند، و از ادغام و پیوند با بازارهای مالی دنیا، عقب مانده اند. کمتر از نصف این کشورها، دسترسی به بازارهای مالی دنیا دارند، عملکرد تجاری آنها نیز پایین تر از کشورهای دیگر است. صادرات نفت به عنوان یک منبع ارز آوری برای صادرکنندگان نفت به شمار می آید، این در حالی است که اهمیت این صادرات از سال ۱۹۸۵ کاهش یافته است. رشد صادرات کشورهای بدون نفت در طول این دوره متفاوت بوده، اما به طور کلی پایین تر از رشد صادرات کشورهای در حال توسعه دیگر است. در نتیجه سهم کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی در بازار صادرات دنیا در بین سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ به نصف کاهش یافته است. این در حالی است که سهم دیگر کشورهای در حال توسعه در صادرات دنیا افزایش یافته است. اطلاعات و ارتباطات تکنولوژیکی کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی، در دنیا ضعیف ترین است، به گونه ای که برای مثال شمار استفاده کنندگان از اینترنت در مقایسه با مناطق دیگر پائین است.

نتیجه‌گیری

اجرای خوب در گروی اداره امور و مدیریت صحیح و اثربخش است. بنابراین، مجریان برنامه نیز باید مطابق برنامه توسعه تحول یابند (واحدهای اجرایی وزارت‌خانه‌ها)، بنابراین قبل از شروع برنامه باید ارزیابی کرد که آیا نظام اداری قادر به اجرای برنامه هست یا نه و آیا رفتار، ساختار و زیرساخت نظام اداری امکان اجرای برنامه را فراهم می‌سازد، آیا بوروکراسی حاکم مانع اجرای برنامه توسعه نیست، آیا می‌توان به اجرای برنامه خوش‌بین بود، محیط بیرونی سازمان‌های دولتی چگونه محیطی است، دیدگاه شهروندان و حمایت آن‌ها و بخش خصوصی به چه میزان است. بنابراین، ابعاد برنامه که شامل مطالعه، تدوین و اجراست از یک طرف و مجریان از طرف دیگر موفقیت برنامه را تعیین می‌کنند. شاید تا به امروز خطاهایی که بیشتر مورد تاکید بوده است. ابعاد مطالعاتی، تدوین و اجرا باشد، اما خود مجریان کم اهمیت تلقی شده‌اند. زیرا برنامه ماهیت اجباری داشته و نیروهای برنامه نیز هیچ گونه خلاقیت و نوآوری نداشته‌اند و دخالت آن‌ها در حد اجبار برای اجرا و رفع تکلیف بوده است. در نهایت این‌که تغییرات در نظام اداری و مدیریت تا به امروز در قالب ویژگی‌های موردنیاز دولت کارآفرین نبوده است و افراد نیز عمدتاً محافظه‌کار بار آمده‌اند. پس الگوی توسعه برمبنای کارآفرینی می‌تواند نقاط ضعف سیستم‌های دولتی را به مرور زمان حل کند، زیرا خود این تغییر. یک تغییر ماهیتی است و به زمان کافی نیاز دارد. اگر هدف توسعه انسانی پرورش قابلیت‌های انسانی است و رکود در منابع منجر به رکود توسعه می‌شود، منابع انسانی در سیستم‌های دولتی با وجود بوروکراسی و سیاست‌های محدودکننده دچار رکود می‌شود و این رکود سایر منابع توسعه را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. دادن شعار توسعه و نوشتن برنامه توسعه در طی برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه از دیدگاه توسعه انسانی دارای تعارض بوده است، زیرا سیستم دولت سیستمی یکپارچه، محدود کننده و مملو از قوانین و مقرراتی است که توسعه انسانی را به ارمغان نمی‌آورد.

منابع و ماخذ

۱ -خاکبان، سلیمان، درآمدی براسلام، توسعه و ایران قم: نشر حضور، چ اول، ۱۳۷۵.

۲ -گریفتن، کیت، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه محمد حسین هاشمی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵

۳ -قدیری اصل، باقر، سیر اندیشه اقتصادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.

۴ -دایانا، هانت، نظریه‌های توسعه و پیشرفت در جوامع امروزی، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶

۵ -قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج اول، تهران : انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۷۳

۶ -قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، تهران: نشر نی، چ اول، ۱۳۷۱

۷ -خاتمی، سید محمد، از دنیای شهر تا شهر دنیا، تهران: نشرنی، ۱۳۷۳

۸ -مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادی گری، مجموعه آثار، ج۱، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸

۹ -آربلاستر، آنتونی، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران : نشر مرکز، ۱۳۶۷

۱۰ -فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، تهران: نشر کتاب طه، چ دوم، ۱۳۸۳

۱۱ -نقوی، علی محمد، جامعه شناسی غرب گرایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳

۱۲ -کوزنتس، سیمون، رشد نوین اجتماعی، ترجمه مرتضی فره، باغیان، تهران : رسا، ۱۳۷۲

۱۳ -جوادی آملی، عبدالله فلسفه حقوق بشر، تهران : نشر اسراء، چ اول،۱۳۷۵

۱۴ -روستو، والت ویتمن، نظریه پردازان رشد اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، ترجمه مرتضی قره باغیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴

۱۵ -گلدمن، لوسیس، فلسفه روشنگری، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: نشر نقره، ۱۳۶۶

۱۶- عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی، چ اول، ۱۳۷۱

۱۷ -گزارش سه دهه «توسعه انسانی» و چشم انداز آن در دهه ۹۰، ترجمه محسن اشرفی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۷

۱۸ -نمازی، حسین،«مقایسه تاثیر آموزه خداشناسی در شکل گیری اصول نظام اقتصادی اسلام وسرمایه داری»، مجله اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲